

فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار

زینب محمدابراهیمی (دانشگاه شهید بهشتی)

مرضیه فرقانی فرد (کارشناس ارشد زبان‌شناسی)

چکیده: مقوله فعل مرکب از جالب توجه‌ترین، ظریف‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین بخش‌های پژوهش‌های دستوری است که توجه بسیاری از دستورنویسان و زبان‌شناسان را به خود معطوف کرده است. در این مقاله بر آنیم تا ضمن بررسی جدیدترین تحلیل‌ها از فعل مرکب فارسی، به بررسی ساخت موضوعی فعل مرکب فارسی گفتاری معیار بپردازیم. آنگاه بسامد وقوع فعل مرکب را در زبان فارسی گفتاری معیار تعیین نماییم و تحلیلی آماری از آن به دست دهیم.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی گفتاری معیار، فعل مرکب، ساخت موضوعی.

۱. مقدمه

دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی توجه ویژه‌ای به مقوله فعل مرکب در زبان فارسی داشته‌اند و هریک ضمن اینکه آن را توصیف و طبقه‌بندی نموده‌اند، معیاری نیز برای متمایز ساختن آن از فعل ساده ارائه داده‌اند. از تحلیل‌های فعل مرکب فارسی در حیطه دستور سنتی می‌توان به تحلیل خیام‌پور (۱۳۷۳: ۶۲)، عماد افشار (۱۳۷۲: ۱۲۶-۱۲۸)، نوبهار (۱۳۷۲: ۱۵۹-۱۶۲) ناتل خانلری (۱۳۷۰: ۱۷۶-۱۷۸) و کمیتون

(LAMBION 1984: 84-93) اشاره کرد.

در سال‌های اخیر، در پی پیشرفت‌هایی که در علم زبان‌شناسی در سطح جهانی صورت گرفته است، و همسو با دستاوردهای نوین زبان‌شناسی در حیطه نحو و ساختواژه، تحلیل‌های ارزنده‌ای نیز از فعل مرکب فارسی ارائه شده است. از جمله آنها می‌توان از تحلیل کریمی (KARIMI 1996)، محمد و کریمی (MOLIAMMAD and KARIMI 1992) دبیرمقدم (۱۳۷۶) و زاهدی (۱۳۸۰) نام برد که هر یک با گرایشی متفاوت با دیگری، به توصیف فعل مرکب فارسی پرداخته‌اند.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی و کنکاش در تحلیل‌های فوق به تعریفی جامع، شفاف و منسجم از فعل مرکب دست یابد و سپس با این فرض که فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار بسیار بیشتر از فعل ساده به کار می‌رود، به بررسی پیکره جمع‌آوری شده بپردازد. همچنین، داده‌های پیکره، حسب نظریه تنا در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، طبقه‌بندی و بسامد هر یک در فارسی گفتاری معیار محاسبه شده است. در پایان، یافته‌های پژوهش و پیامدهای نظری و کاربردی آنها ذکر می‌شود.

۲. شیوه پژوهش

برای انجام این پژوهش ابتدا پیکره‌ای زبانی در زبان فارسی گفتاری معیار جمع‌آوری شد. زبان معیار، همسو با صادقی (۱۳۷۵: ۲۸-۴۰)، زبان درس خوانندگان در نظر گرفته شد که در رادیو و تلویزیون نیز به کار می‌رود و در آموزش زبان به خارجیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین در ابتدای امر مدت زمان ۱۵۰ دقیقه مصاحبه‌های تلویزیونی با استادان دانشگاه که هرروزه در برنامه‌های مختلف شبکه‌های سیما پخش می‌گشت، ضبط شد. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور میانگین ۱۳ دقیقه منظور گردید. پس از ثبت داده‌های گفتاری، به تجزیه و تحلیل آماری پرداخته شد.

۳. تحلیل‌های فعل مرکب فارسی در حیطه دستور سنتی

زبان‌شناسان بسیاری در حیطه دستور سنتی به بررسی فعل مرکب فارسی پرداخته‌اند که در این قسمت به بررسی چند نمونه از این آثار بسنده می‌شود.

ناتل خانلری (۱۳۷۰: ۱۷۶-۱۷۸) فعل‌های فارسی را از نظر ساختمان به سه گونه ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌کند و فعل مرکب را فعلی می‌داند که از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل پدید آمده است. وی (۱۳۶۵: ۱۲۷-۱۲۸) می‌نویسد: «اطلاق فعل مرکب به این‌گونه کلمات از آن جهت است که از مجموع آنها معنی واحدی دریافت می‌شود». به باور خانلری در صورتی که هریک از اجزاء معنی مستقل و اصلی خود را حفظ کرده باشد دیگر نمی‌توان آن را فعل مرکب دانست، لیکن حسب داده‌های زبان فارسی، علاوه بر اسم یا صفت، مقوله‌های دیگر نحوی نیز می‌توانند به عنوان عنصر غیرفعلی در ساخت فعل مرکب شرکت کنند و دیگر اینکه حتی با در نظر گرفتن معیار معناشناختی فوق برای تشخیص فعل مرکب، می‌توان فعل پیشوندی را نیز زیر عنوان فعل مرکب لحاظ کرد.

نوبهاری (۱۳۷۲: ۱۵۹-۱۶۱) فعل را از نظر ساخت به سه دسته ساده، پیشوندی و گروهی تقسیم می‌کند و فعل مرکب را به همراه فعل مرکب پیشوندی و عبارات فعلی، زیربخش فعل گروهی می‌داند.

این تحلیل نیز تقسیم‌بندی دقیقی از فعل مرکب به دست نمی‌دهد؛ مثلاً اینکه چرا افعال را به سه گروه تقسیم می‌کند. علاوه بر این، تحلیل فوق پاسخگوی مسائل متفاوت مطرح در این زمینه، از قبیل رفتار فعل مرکب و اجزای آن نیست.

۴. تحلیل‌های نوین از فعل مرکب فارسی

دبیرمقدم (۱۳۷۶: ۱-۴۶) با دیدگاهی ساختوازی نشان داده است که فعل‌های مرکب فارسی حاصل دو فرایند عمده ترکیب و انضمام هستند که هریک زیرمجموعه‌هایی را شامل می‌شوند. فعل‌های مرکب حاصل از فرایند ترکیب عمدتاً از ترکیب یک عنصر غیرفعلی با یک عنصر فعلی، مطابق فهرست زیر، به دست می‌آید:

(الف) صفت و فعل کمکی (دلخور بودن، دلخور شدن، دلخور کردن)؛

(ب) اسم و فعل (تهدید کردن، داد زدن، درد گرفتن)؛

(ج) گروه حرف اضافه‌ای و فعل (به دنیا آمدن)؛

(ت) قید و فعل (برانداختن، پس دادن)؛

(ث) اسم مفعول و فعل کمکی مجهول‌ساز (کشته شدن، گفته شدن).

در فرایند انضمام نیز یا گروه حرف اضافه‌ای با از دست دادن حرف اضافه، به فعل منضم می‌شود و یا مفعول صریح نشانه‌های دستوری خود را از دست می‌دهد و به فعل منضم می‌گردد که چنین اسمی غیرارجاعی و فاقد حالت دستوری است. وی خاطر نشان کرده است که فعل‌های حاصل از فرایند انضمام، در هر دو صورت، فعل‌های مرکب لازم هستند.

محمد ابراهیمی و حق شناس (۱۳۸۲: ۵۳-۵۴) تمامی فعل‌های مرکب حاصل از انضمام مفعول صریح را فعل مرکب انضمامی نمی‌دانند. آنان بر پایه نظریه گفتمان بنیاد هاپر و تامپسون (Hopper and Thompson 1980) استدلال کرده‌اند که در زبان فارسی معیار، فعل مرکب انضمامی زمانی وجود خواهد داشت که گروه اسمی منضم به فعل نکره^۱ اسم جنس و از نظر گوینده و شنونده غیرارجاعی باشد.

برطبق دیدگاه آنان، «بستنی خوردیم» در جمله (۱) را نمی‌توان یک فعل مرکب انضمامی به حساب آورد؛ چرا که دارای مشخصه [+ مشخص] است؛ یعنی در نظر گوینده مشخص است و در نتیجه ارجاعی است.

الف: بچه‌ها بیان نهار بخوریم. [الف] ۳۲

ب: ما بستنی خوردیم، سیریم. [ب] ۳۲

پ: نه من نخوردم. همه رو این خورد. [ج] ۳۲

برخلاف مورد فوق در جمله (۲) «بستنی خوردن» فعل مرکب انضمامی است و «بستنی» دارای هیچ‌گونه ارجاعی، حتی در ذهن گوینده، نیست؛ یعنی نکره نامشخص است.

۲- الف: چون سرما خوردمی دیگه نباید بستنی بخوری.

۱. کریمی (Karimi 1989: 124-153) در فصل دوم رساله دکتری خود، به هنگام بحث راجع به نشانه «را»، اسامی را در ابتدا به دو گروه مشخص (specific) و نامشخص (nonspecific) تقسیم می‌نماید. سپس هر گروه را به دو دسته تقسیم می‌کند: اسامی مشخص را به دو گروه معرفه (definite) و نامعین (indefinite)، و اسامی نامشخص را نیز به دو گروه اسم جنس (generic) و نامعین؛ یعنی وی (Ibid: 56-63) اسامی را به سه دسته تقسیم می‌کند (generic, indefinite, definite). اسامی‌ای که دارای ارجاع در ذهن گوینده‌اند اما برای شنونده ناآشنا هستند، می‌توانند با «را» به کار روند. اسامی‌ای که در ذهن گوینده دارای ارجاع نیستند و جزو اسامی نامعین نامشخص محسوب می‌شوند با «را» به کار نمی‌روند.

ب: بچه‌ها، فکر می‌کنین توی مسابقه کی می‌تونه از همه بیشتر بستنی بخوره؟

نکته دیگری که در تحلیل دبیرمقدم (۱۳۷۶) قابل تأمل است مسئله گسستگی بین دو سازه فعل مرکب است. از نظر وی آن دسته از سازه‌های غیرفعلی در فعل‌های مرکب که وابسته پذیرفته‌اند، دیگر غیرارجاعی نیستند و در نتیجه در جملات (۳ ب) و (۴ ب) با فعل مرکب مواجه نیستیم.

۳- الف: علی حسن را دعوت کرد. [۷۸]

ب: علی حسن را دعوت رسمی کرد.

۴- الف: علی حسن را نگران کرد. [۷۹]

ب: علی حسن را نگران بچه‌ها کرد.

وی معتقد است این سازه‌ها و وابسته‌هایشان جزء گزاره‌اند و از لحاظ نحوی متمم مفعول‌اند و جزء غیرفعلی تشکیل‌دهنده فعل مرکب هستند.

به باور نگارندگان این مقاله، این امر بر اساس داده‌ها، با شمّ زبانی گویشوران فارسی‌زبان مغایر است. گویشور دو جزء فعل مرکب را از لحاظ معنایی به‌عنوان یک واحد هم‌بسته توصیف و در ذهن مفهوم‌سازی می‌کند؛ حتی اگر در جمله‌ای بنا به ضرورت و یا سبک، دو سازه از لحاظ ساختاری گسسته باشند. شاهد بر این مطلب استفاده از هم‌کرد واحد در هر دو حالت است.^۲

زاهدی (۱۳۸۰) با استفاده از چارچوب نظری کمینه‌گرایی اشتقاقی چامسکی و طرح کلی ارائه‌شده توسط باورز (۱۹۹۳) تحلیلی متفاوت از فعل مرکب ارائه می‌کند. برطبق نظر وی، ساخت فعل مرکب در زبان فارسی بر اساس دو فرایند عمده ساخت موضوعی و اشباع موضوعی شکل می‌گیرد. این ساخت پیوستاری را تشکیل می‌دهد که در یک سوی آن فعل‌های سبک با عناصر غیرفعلی و عموماً اسمی ترکیب شده، ساختی را به وجود می‌آورند که بر روی هم ساخت موضوعی را تشکیل می‌دهد و در سوی دیگر فعل‌های

۲. در سه کلاس درس کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تمامی دانشجویان در پاسخ به این سؤال که «علی» نسبت به حسن مرتکب چه عملی شد؟ پاسخ دانشجویان این بود که «او را نگران کرد» یا «او را نگران بچه‌ها کرد». در واقع می‌توان گفت که گویشوران، با وجود اینکه میان دو سازه «نگران» و «کرد» فاصله است، آن را یک فعل مرکب تلقی می‌کنند.

سنگین به اشباع موضوعی خود می‌پردازند و ساختی را می‌سازند که از لحاظ گذرایی، لازم است.

در میان این دو انتها نیز ساخت‌های دیگری قرار دارند؛ به گونه‌ای که هرچه به سوی اول پیوستار حرکت کنیم با تعامل نحو - واژگان و بروز رفتارهای ساختوازی روبه‌رو می‌شویم که از سطح کمتری از شفافیت ساختاری - معنایی برخوردارند. از طرفی، هرچه به سوی دیگر پیوستار میل کنیم با تعامل بخش‌های نحوی - واجی مواجه خواهیم شد که به شفافیت ساختاری - معنایی می‌انجامد. وی معتقد است لزومی ندارد به وجود گذشتاری به نام انضمام در ساخت فعل مرکب قائل شویم؛ لیک می‌توان به جای آن از فرایند ادغام^۳ سخن به میان آورد.

زاهدی (همان جا: ۲۲۴-۲۲۵) می‌گوید برخی اوقات ممکن است صفت یا عنصر فعلی با واژه‌بستی همراه شود. مثال:

۵. علی شیشه را از آب پرش کرد.

به باور وی پدیدهٔ واژه‌بست‌افزایی از تأثیرات صورت آوایی (PF) و نمایانگر تعامل نحو - واج‌شناسی است.

قائل شدن به پیوستار ساخت فعل مرکب در زبان فارسی تحلیل نوینی است که می‌تواند در پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی کارآمد باشد. لیکن برطبق داده‌های پیکره، واژه‌بست تنها عنصری نیست که بین دو جزء تشکیل‌دهندهٔ فعل مرکب ظاهر می‌شود، بلکه این عنصر می‌تواند مقوله‌های دیگر اسمی، صفتی و مانند آن را نیز دربرگیرد. نمونه‌های (۶) و (۷) نشان‌دهندهٔ این مطلب هستند.

۶. برای این کار احتیاج به موادی دارند.

۷. تا میان این راه‌های مناسب انتخاب مناسب کنند.

در جملهٔ (۶) فعل احتیاج دارند و در جملهٔ (۷) انتخاب کنند یک کل معنایی را تشکیل می‌دهند و باید آنها را فعل مرکب دانست.

۵. چارچوب نظری

۵-۱ ساخت موضوعی فعل مرکب

محمدابراهیمی (۱۳۸۲: ۳۲-۳۳) بر اساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، به بررسی ساخت موضوعی فعل می‌پردازد و می‌گوید موضوع‌های فعل حداقل شرکت‌کنندگان لازم در انجام فعل هستند و ساخت موضوعی فعل، موضوع‌های فعل، یعنی حداقل شرکت‌کنندگان لازم یا اجباری، از جمله فاعل را مشخص می‌سازد. در هر گروه فعلی، علاوه بر موضوع‌های فعل، ممکن است گروه‌های دیگری هم حضور داشته باشند که بیان‌کننده مفاهیمی مثل حالت، مکان و زمان رخداد فعل باشند که چنین گروه‌هایی اطلاعات اضافی و اختیاری محسوب می‌شوند. این نوع گروه‌ها را افزوده^۴ می‌نامیم.

بر این اساس و همسو با محمدابراهیمی (همان جا)، می‌توان فعل‌های مرکب فارسی گفتاری معیار را نیز از لحاظ تعداد موضوع‌های آن به دو دسته یک‌موضوعی و چندموضوعی تقسیم کرد. فعل‌های چندموضوعی را نیز می‌توان به انواع دو‌موضوعی، سه‌موضوعی و چهارموضوعی تقسیم کرد. لازم است یادآوری شود که موضوع‌های فعل به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند. موضوع بیرونی را در اینجا موضوع ۱ و موضوع‌های درونی را که متمم هستند، بر اساس ترتیب ظهورشان در جملات بی‌نشان زبان فارسی، تحت عنوان موضوع‌های ۲ و ۳ و ۴ نام نهاده‌ایم. جدول ۱ را می‌توان جدول تعداد موضوع‌های فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار دانست.

یک‌موضوعی		فعل مرکب
دو‌موضوعی	چندموضوعی	
سه‌موضوعی		
چهارموضوعی		

جدول ۱: تعداد موضوع‌های فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار

انواع فعل مرکب را می‌توان در مثال‌های زیر مشاهده کرد:

۸. تعداد زنانی که در بیرون از خانه کار می‌کنند. [فعل مرکب یک‌موضوعی]

۹. چراکه دختران الگوهای جدیدتری را پیدا می‌کنن. [فعل مرکب دو موضوعی]
 ۱۰. بیاییم اینا رو به شهروندان آموزش بدیم. [فعل مرکب سه موضوعی]
 ۱۱. باهات سر هرچی بگی شرط می‌بندم که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه‌اس. [فعل مرکب چهارموضوعی]^۵

۵-۲ نحوه بازتاب موضوع‌های فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار

محمدابراهیمی (۱۳۸۲: ۱۹۴-۱۹۵) می‌گوید در فارسی معیار موضوع‌های فعل به آشکال گوناگون، اعم از گروه‌های اسمی، صفتی^۶، حرف اضافه‌ای و یا بند خودایستا بازتاب می‌یابند. گاه نیز موضوع فعل، برحسب بافت و اطلاعات موجود در بافت، دارای بازتاب در سطح روساخت نیست. وی (همان جا) نحوه بازتاب موضوع‌های فعل را در فارسی معیار به صورت زیر نشان داده است:



نمودار ۱: نحوه بازتاب موضوع‌های فعل در فارسی معیار

۵. لازم است یادآوری شود که همه افراد در مورد فعل مرکب چهارموضوعی اتفاق نظر ندارند. برخی تنها سه موضوع برای چنین فعل‌هایی در نظر می‌گیرند. به نظر نگارنده، حتی اگر موضوع ۳ ذکر نگردد و در روساخت به صورت نهی باشد، این مفهوم برداشت می‌شود که با گوینده از ذکر چیستی موضوع ۳ خودداری کرده است، یا عمل شرط بستن چندان جدی نبوده است و شرط بر روی هیچ چیز انجام شده است؛ یعنی چیزی ردوبدل نخواهد شد، نه اینکه فعل اصلاً چنین موضوعی نداشته باشد.

۶. کروئیگر (KROEGER 2005: 90-92) نیز گروه صفتی را متمم فعل (predicate complement) در نظر گرفته است. وی می‌گوید [very beautiful] در مثال (۱۷) متمم فعل است:

Your daughter is [very beautiful]. (17)

بررسی در پیکره مورد پژوهش نشان می‌دهد که این تقسیم‌بندی از موضوع‌ها، در مورد فعل‌های مرکب فارسی گفتاری معیار نیز صادق است. بنابراین می‌توان نمودار (۱) را نمودار نحوه بازتاب موضوع‌های فعل، اعم از ساده و مرکب دانست.

۶. دیدگاه این پژوهش در مورد فعل مرکب

برطبق بررسی‌های انجام شده، دیدگاه این پژوهش را نسبت به فعل مرکب زبان فارسی می‌توان به شکل زیر عنوان کرد:

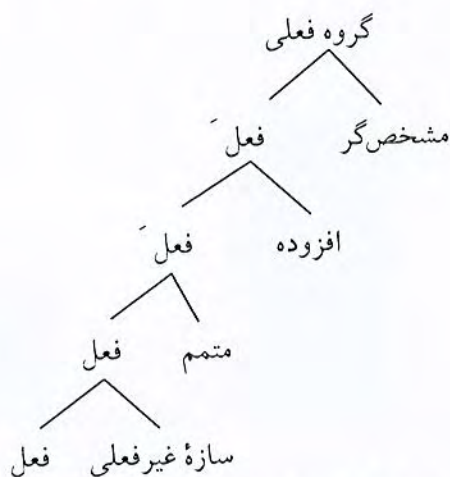
الف) در برابر فعل ساده - که تنها از یک جزء تشکیل شده است - فعل مرکب فعلی است که در ساخت آن بیش از یک جزء وجود داشته باشد.

ب) همسو با محمدابراهیمی و حق‌شناس (۱۳۸۲: ۵۳-۵۴)، مفعول‌های بی‌نشان دستوری - که از نظر گوینده دارای مشخصه [+ مشخص] هستند - ارجاعی تلقی می‌شوند و در نتیجه افعال مرکب حاصل انضمامی محسوب نمی‌گردند.

پ) همانند دبیرمقدم (۱۳۷۶: ۳۳-۴۰)، فعل مرکب یک واحد معنایی در نظر گرفته می‌شود که در فرایندهای نحوی همچون اسم‌سازی، قلب نحوی و غیره به صورت یک کل عمل می‌کند. از لحاظ واجی نیز فعل مرکب تکیه واحد می‌پذیرد؛ در صورتی که سازه‌ای اعم از موضوع یا افزوده، بین دو جزء تشکیل‌دهنده آن گسستگی ایجاد نکرده باشد. لیکن برطبق داده‌های زبانی و نیز شم زبانی گویشوران فارسی‌زبان، اگرچه دو سازه فعل مرکب از نظر معنایی یک واحد هم‌بسته محسوب می‌شود، از نظر ساخت و کاربرد می‌توان به گسترش بین دو جزء قائل شد:

۱۲. ما بیاییم به شهروندان آموزش بدیم... و یا خود بینندگان آموزش جرئت‌بخشی به خودشون بدن.

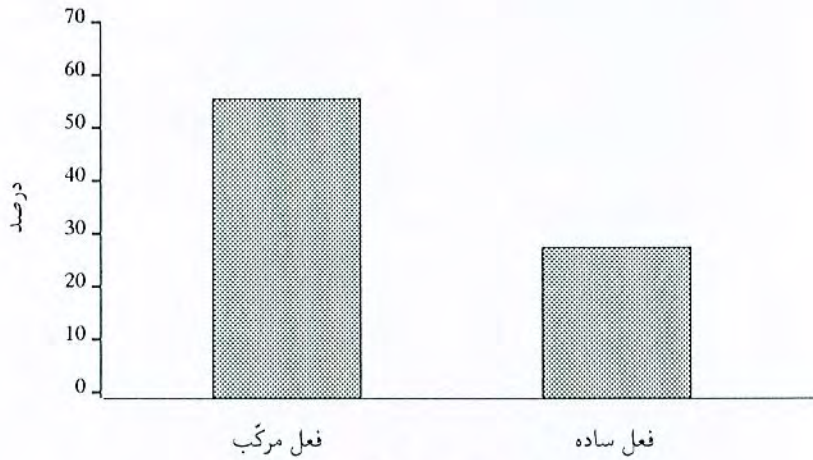
ت) ساختار فعل مرکب در فارسی گفتاری معیار را می‌توان در نمودار درختی ذیل که مربوط به گروه فعلی است مشاهده کرد:



نمودار ۲: نمودار درختی گروه فعلی دربرگیرنده فعل مرکب

۷. تحلیل داده‌ها

بر اساس مطالبی که در بخش‌های پیشین گفته شد، فعل‌های ساده و مرکب پیکره شمارش و بسامد آنها محاسبه گردید. از مجموع کل ۳۴۷۱ فعل، تعداد ۲۱۴۲ فعل مرکب و ۱۳۲۹ فعل ساده شناسایی شد. بسامد ۶۲٪ برای فعل‌های مرکب و بسامد ۳۸٪ برای فعل‌های ساده به دست آمد که در نتیجه، مطابق با فرض پژوهش، در فارسی گفتاری معیار، فعل مرکب بسیار بیشتر از فعل ساده به کار می‌رود (نمودار ۳). لازم است یادآوری شود که در پژوهش‌های پیش از این نیز، از جمله صادقی (۱۳۷۲: ۲۳۶-۲۴۶)، به کاربرد بیشتر فعل مرکب در فارسی به‌طور اعم، و در فارسی نوشتاری، به‌طور اخص، اشاره شده بود. بررسی در پیکره مورد پژوهش نشان داد که این برداشت در مورد زبان فارسی گفتاری معیار نیز صادق است.



نمودار ۳: توزیع فعل مرکب و ساده در پیکره

سپس فعل‌های مرکب، برحسب موضوع، طبقه‌بندی و بسامدیابی شد که براساس نتایج به‌دست آمده، فعل‌های دو موضوعی با بسامد ۶۳٪ از بالاترین بسامد در پیکره برخوردار بودند و فعل‌های چهار موضوعی دارای کمترین بسامد، یعنی کمتر از ۱٪ بودند (نمودار ۴).



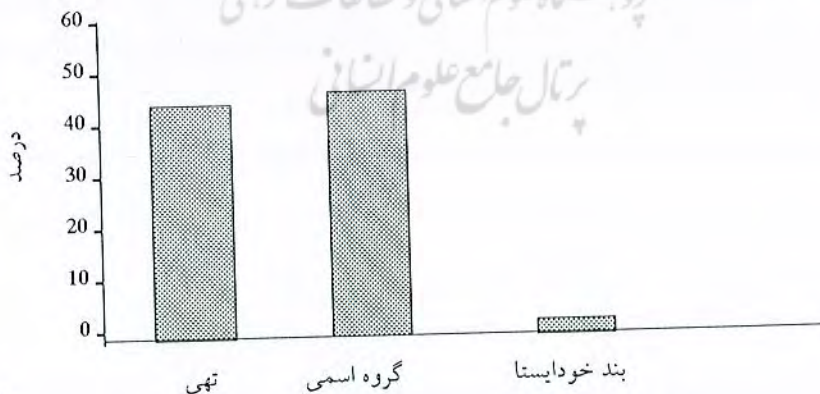
نمودار ۴: توزیع فعل‌های مرکب برحسب موضوع

نحوه بازتاب موضوع های فعل مرکب در پیکره در جدول ۲ نمایش داده شده است.

بند	گروه	گروه	گروه	تهی	نحوه بازتاب	
					نوع فعل	
خودایستا	صفتی	حرف اضافه ای	اسمی	%۴۶	یک موضوعی	
%۳	-	-	%۵۱			
				%۵۷	موضوع ۱	دو موضوعی
%۱			%۴۲		موضوع ۲	
				%۲۶	موضوع ۱	سه موضوعی
%۱۳		%۲۱	%۳۷		موضوع ۲	
-	-	-	%۲۳	%۷۷	موضوع ۳	
				%۱۸	موضوع ۱	چهارموضوعی
%۲	-	%۴۰	%۴۰		موضوع ۲	
%۱۷	%۷	%۴۰	%۱۳	%۲۳	موضوع ۳	
				%۱۰۰	موضوع ۴	
				%۱۰۰	موضوع ۱	چهارموضوعی
		%۱۰۰			موضوع ۲	
				%۱۰۰	موضوع ۳	
%۱۰۰					موضوع ۴	

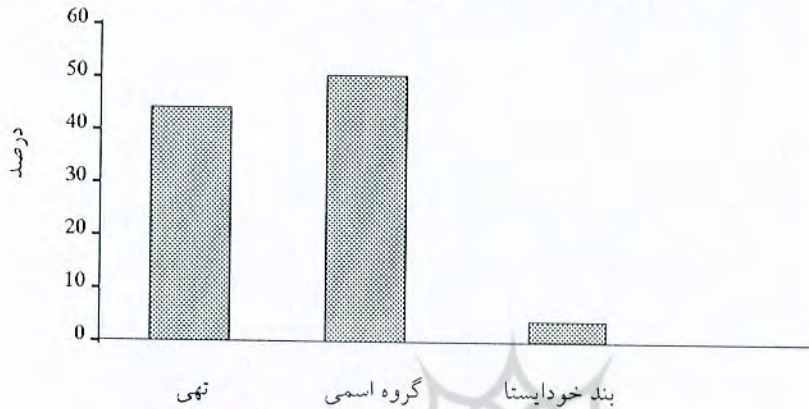
جدول ۲: نحوه بازتاب موضوع های فعل مرکب فارسی گفتاری معیار

از لحاظ بازتاب موضوعی، در فعل های مرکب یک موضوعی، بازتاب به صورت گروه اسمی با %۵۱ بالاترین بسامد و بازتاب بند خودایستا با %۳ کمترین بسامد را داشت (نمودار ۵).



نمودار ۵: نحوه بازتاب موضوع در فعل های مرکب یک موضوعی

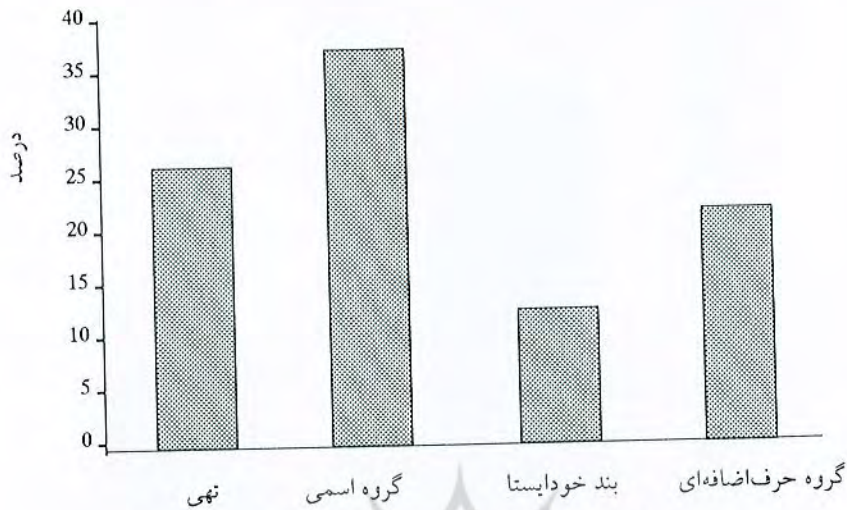
۱۳. از بحث ما خارجیه، چون مفصله. [م: ۱: تهی]
 ۱۴. آدم خیلی هم خوشحال می‌شه. [م: ۱: گروه اسمی]
 ۱۵. همسر مخالف باشه، هیچ اهمیتی نداره. [م: ۱: بند خودایستا]



نمودار ۶: نحوه بازتاب موضوع ۱ در فعل‌های مرکب دومی

- در فعل‌های مرکب دومی، موضوع ۱ یا همان موضوع برونی، به سه صورت تهی ۴۲٪، گروه اسمی ۵۷٪، و بند خودایستا ۱٪ بازتاب داشت (نمودار ۶).
۱۶. آلرژی رو باید با درمان دارویی رفع کنیم. [م: ۱: تهی]
 ۱۷. اولین کاری بود که من ارائه دادم. [م: ۱: گروه اسمی]
 ۱۸. چقدر روی مردم اثر می‌ذاره اگر ما بلبخند با مردم صحبت کنیم [م: ۱: بند خودایستا]
- موضوع ۲ در این فعل‌ها به صورت تهی ۲۶٪، اسمی ۳۷٪، گروه حرف اضافه‌ای ۲۱٪ و بند خودایستا ۱۳٪ بازتاب یافته بود (نمودار ۷).

۷. در سطح ژ. ساخت این موضوع تهی همان ضمیر فاعلی محذوف است که به دلیل ضمیرافتنان بودن زبان فارسی امکان حذف فاعل در روساخت وجود دارد.



نمودار ۷: نحوه بازتاب موضوع ۲ در فعل‌های مرکب دو موضوعی

۱۹. به خاطر همین هم هست که مردم کمتر اهمیت میدن. [م: ۲: تهی]

۲۰. به‌طور تقریبی می‌تونه بزرگی‌اش رو نشون بده [م: ۲: گروه اسمی]

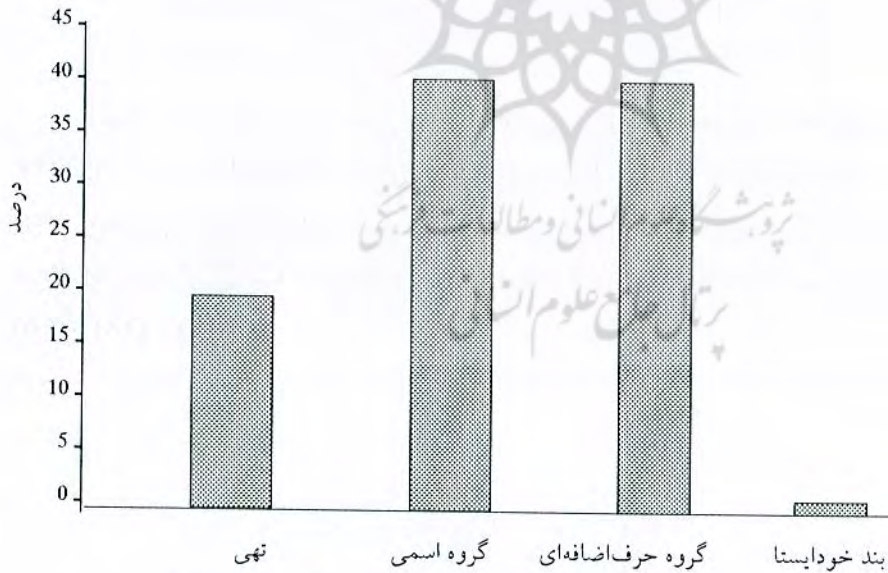
۲۱. پدر و مادر هر وقت احساس کنن بچه‌شون رنگ‌پریده است. [م: ۲: بند خودایستا]

۲۲. وقت نمی‌ذاریم بنشینیم باهاشون درد دل کنیم. [م: ۲: گروه حرف اضافه‌ای]

همچنین در فعل‌های مرکب سه موضوعی، بازتاب موضوع ۱ به صورت ۷۷٪ تهی و ۲۳٪ گروه اسمی مشاهده شد (نمودار ۸). مثال‌های مربوط در (۲۳) و (۲۴) آمده است. بازتاب موضوع ۲ در این فعل‌ها به صورت ۱۸٪ تهی، ۴۰٪ گروه اسمی، ۴۰٪ گروه حروف اضافه‌ای و ۲٪ بند خودایستا محاسبه شد (نمودار ۹). مثال‌های مربوط در (۲۵) تا (۲۸) آمده است.

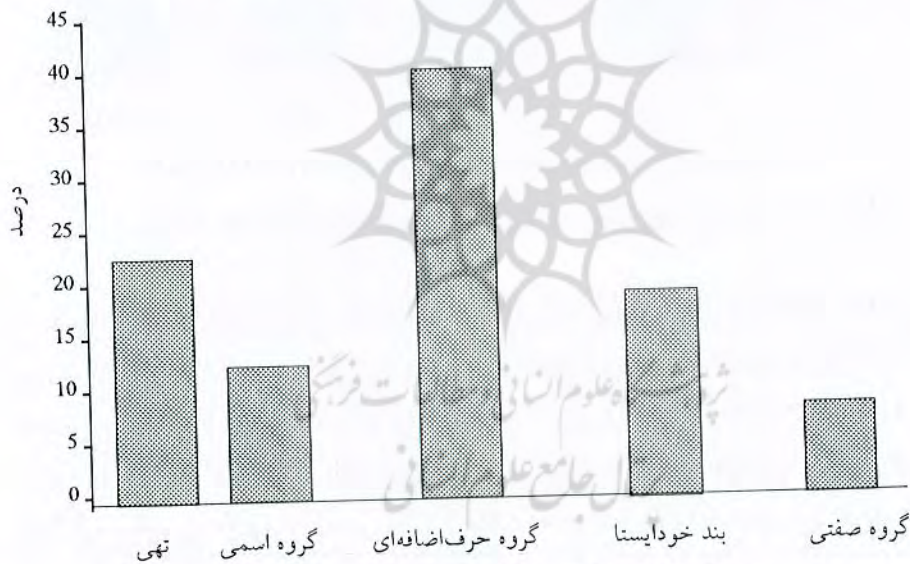


نمودار ۸: نحوه بازتاب موضوع ۱ در فعل‌های مرکب سه‌موضوعی



نمودار ۹: نحوه بازتاب موضوع ۲ در فعل‌های مرکب سه‌موضوعی

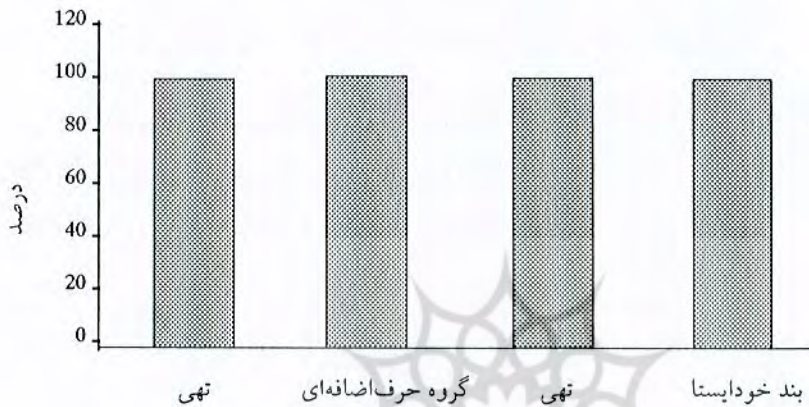
۲۳. چقدر وقت‌ها فرصت نمی‌دیم حرفشو بزنه. [م: ۱: تهی]
۲۴. خود این بهتر صمیمیت رو منتقل می‌کنه. [م: ۱: گروه اسمی]
۲۵. هم اجازه بدهم بچه‌ام به من محبتش رو بروز بده. [م: ۲: تهی]
۲۶. به‌هرحال ما ترجیح می‌دیم به‌جای اینکه درمان بر اساس حدس و گمان صورت بگیره درمان بر اساس تشخیص دقیق و قطعی باشه. [م: ۲: بند خودایستا]
۲۷. که این حرکات جسمانی ما معنی منفی را درگیرنده پیام منتقل نکنه. [م: ۲: گروه اسمی]
۲۸. زنان ما به همسرانشون به‌عنوان صندوق بانکی نگاه نکنن. [م: ۲: گروه حرف اضافه‌ای]
- و بالاخره در بازتاب موضوع ۳ در این فعل‌ها با ۲۳٪ تهی، ۱۳٪ اسمی، ۴۰٪ گروه حرف اضافه‌ای، ۱۷٪ بند خودایستا و ۷٪ گروه صفتی روبه‌رو بودیم (نمودار ۱۰).



نمودار ۱۰: نحوه بازتاب موضوع ۳ در فعل‌های مرکب سه‌موضوعی

۲۹. سلامت را باید تفکیک کرد. [م: ۳: تهی]
۳۰. اگر ما اونو انسان تک‌بعدی و حاشیه‌ای در نظر بگیریم. [م: ۳: گروه اسمی]
۳۱. آموزش جرئت‌بخشی به خودشون بدن. [م: ۳: گروه حرف اضافه‌ای]
۳۲. هم اجازه بدهم بچه‌ام به من محبتش رو بروز بده. [م: ۳: بند خودایستا]
۳۳. در هر سنی اونو رو پایین‌تر از سن واقعی شون ارزیابی می‌کنن. [گروه صفتی]

در نمونه فعل مرکب چهارموضوعی نیز موضوع ۱ و ۳ به صورت ۱۰۰٪ تهی، موضوع ۲، ۱۰۰٪ گروه حرف اضافه‌ای و موضوع ۴ نیز به صورت ۱۰۰٪ بند خودایستا بازتاب داشت (نمودار ۱۱).



نمودار ۱۱: نحوه بازتاب موضوع‌ها در فعل‌های مرکب چهارموضوعی

۳۴. می‌گه باهاش شرط بستم که مسابقه رو می‌بوه. (م: ۱: تهی، م: ۲: گروه حرف اضافه‌ای، م: ۳: تهی، م: ۴: بند خودایستا)

همچنین در ۱۰٪ فعل‌های مرکب، باگسترش بین دو جزء روبه‌رو بودیم که در ۶۰٪ از موارد، یکی از موضوع‌های فعل و در ۴۰٪ باقی‌مانده، افزوده در بین دو جزء ظاهر شده بود. موضوع‌ها به صورت ۶۵٪ گروه اسمی، ۳۴٪ گروه حرف اضافه‌ای و ۱٪ گروه صفتی بین دو جزء فعل مرکب بازتاب داشتند، در صورتی که بازتاب افزوده‌ها به صورت ۷۶٪ گروه صفتی، ۱۰٪ گروه اسمی و ۱۴٪ قید به دست آمد. نحوه گسترش بین دو جزء فعل مرکب در جدول ۳ نمایش داده شده است.

		نحوه بازتاب			نوع گسترش
قیدی	گروه حرف اضافه‌ای	گروه صفتی	گروه اسمی		
-	۳۴٪	۱٪	۶۵٪		موضوع
۱۴٪	-	۷۶٪	۱۰٪		افزوده

جدول ۳: نحوه گسترش بین دو جزء فعل مرکب

نمونه هریک از این گسترش‌ها در مثال‌های زیر مشهود است:

۳۵. بعضی از والدین از اینکه ایجاد حس گناه کنن در اطرافیان و فرزندان اصلاً خوششان می‌آید. [موضوع: گروه اسمی]

۳۶. هرچه سریع‌تر صحبت کنیم، اثر کمتری می‌ذاره. [موضوع: گروه صفتی]

۳۷. باید دقت کنیم که حرکات جسمانی ما معنی منفی را منتقل به گیرندهٔ پیام نکند. [موضوع: گروه حرف‌اضافه‌ای]

۳۸. با همسرمون مسابقهٔ بهشتی شدن و مرضی خدا شدن بدیم. [افزوده: گروه اسمی]

۳۹. لازم است که با این تغییرات برخورد مناسبی داشته باشیم. [افزوده: گروه صفتی]

۴۰. روی خودباوری تکیه زیاد کردیم. [افزوده: قید]

۸. نتایج و یافته‌های پژوهش

الف) در فارسی گفتاری معیار، فعل مرکب بسیار بیشتر از فعل ساده به کار می‌رود. ب) بیشترین بازتاب موضوع ۱ به صورت گروه اسمی در فعل‌های مرکب یک موضوعی و به صورت تهی در فعل‌های مرکب سه موضوعی است. می‌توان گفت بر اساس شرایط بافتی، با افزایش موضوع‌ها در گفتار، اصل اقتصاد موجب بازتاب تهی برخی موضوع‌ها می‌شود.

پ) بالاترین بسامد بازتاب موضوع ۳ در فعل‌های مرکب سه موضوعی با بسامد ۴۰٪ به گروه حرف‌اضافه‌ای تعلق دارد و شاید دستوریان سنتی به همین دلیل، یعنی کاربرد فراوان گروه حرف‌اضافه‌ای به عنوان موضوع سوم، مفعوم دوم را در فعل‌های دومفعولی، مفعول حرف‌اضافه‌ای نامیده‌اند.

۹. پیامدهای نظری و کاربردی پژوهش

الف) طبقه‌بندی فعل‌های مرکب برحسب ساخت موضوعی، به دلیل داشتن کمترین تعداد متغیرها و ثبات در تعداد متغیرها، از مزیت بالایی برخوردار است. ب) بسامد بالای بازتاب موضوع‌ها به صورت تهی، در زبان گفتار، نمایانگر اهمیت بافت و اطلاعات موجود در بافت است که به نظر می‌رسد در نوشتار کمتر از این حد باشد. بنابراین

شایسته است در آموزش فعل مرکب به غیر فارسی‌زبانان و به‌خصوص در تهیه مواد درسی، انسجام (cohesion) در گفتار به‌عنوان مقوله‌ای متمایز و درخور توجه مد نظر قرار گیرد.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۲، ش ۱/۲، ص ۱-۴۶؛
خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۳)، دستور زبان فارسی، چاپ هشتم، کتاب‌فروشی تهران، تهران؛
زاهدی، کیوان (۱۳۸۰)، ساخت فعل مرکب در فارسی نوین: نگرشی کمیته‌گرا، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛
صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۲)، «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ص ۲۳۶-۲۴۶؛
_____ (۱۳۷۵)، «زبان معیار»، برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۷) درباره زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۸-۴۰؛
عماد افشار، حسین (۱۳۷۲)، دستور و ساختار زبان فارسی، چاپ دوم، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران؛
محمدابراهیمی جهرمی، زینب و علی محمد حق‌شناس (۱۳۸۲)، «لزوم و تعدی در زبان فارسی معیار»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۴۳-۵۹؛
محمدابراهیمی، جهرمی، زینب (۱۳۸۲)، بررسی ساختار گروه فعلی در زبان فارسی نوشتاری معیار و مقایسه آن با زبان فارسی گفتاری معیار، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، تاریخ زبان فارسی، جلد دوم، نشر نو، تهران؛
_____ (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، چاپ دوازدهم، توس، تهران؛
نویهار، مهرانگیز (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، رهنما، تهران؛
Hopper, J. Paul and Sandra A. Thompson (1980), "Transitivity in grammar and discourse",
Language 56, N.2, Wavery Press;
Karimi, Simin (1989), *Aspects of Persian Syntax, Specificity and the Theory of Grammar*, Ph. D.
Dissertation, University of Washington;
Kroeger, Paul R. (2005), *Analysing Grammar, An Introduction*, Cambridge, Cambridge University
Press;
Lambson, K. S. (1984), *Persian Grammar*, Cambridge, Cambridge University Press;
Mohammad, J. and Simin Karimi (1992), "Light verbs are taking over: Complex verbs in Persian",
proceedings of the western conference on linguistics (WECOL) 5: 195-212.

